

۲ شرط برای بخشش

در پرونده قتلی که در تهران اتفاق افتاد مادر مقتول ۲ شرط برای بخشش قاتل تعیین کرد. او اینکه قاتل باید ده پسرش را پرداخت کند تا او این پول را صرف امور خیریه کند. دومین شرط هم این بود که قاتل باید قول بدهد که بعد از آزادی از زندان زندگی شرافتمندانه‌ای داشته باشد و مرتکب کارهای خلاف نشود.



کمک به بچه‌های بی سرپرست

اولیای دم در پرونده‌های قتل گاهی برای بخشش قاتل پول در یافت می‌کنند اما بسیاری این پول را برای خودشان نمی‌خواهند. نمونه آن پدر و مادر جوانی که در آخرین لحظات قاتل را بخشیدند اما شرط کردند که او باید ده پسرشان را برای نگهداری بچه‌های بی‌سرپرست خرج کند.



خوابی در بین الحرمین

بعضی از بخشش‌ها هم فقط به خاطر یک خواب اتفاق می‌افتد و همین خواب کافی است تا اولیای دم که معمولاً اصرار به مجازات قاتل دارند حاضر به بخشش شوند. مثل زنی که در خواب دید دخترش در بین‌الحرمین راه می‌رود و چون این خواب چند روز قبل از قصاص قاتلش بود تصمیم گرفت به قاتل زندگی دوباره‌ای بدهد. این قتل اواسط خرداد سال ۱۳۹۷ در یکی از استان‌های مرکزی کشور اتفاق افتاد و در جریان آن زنی ۲۸ ساله که تازه عروس بود به قتل رسید. در فهرست مظنونان، نام جوانی که خواستگار سابق مقتول بود به چشم می‌خورد. همین کافی بود تا او دستگیر شود. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت چون به دختر جوان علاقه داشته‌اما او با فرد دیگری ازدواج کرده دست به این جنایت زده است. مدتی از دستگیری متهم می‌گذشت که او در دادگاه محاکمه و به قصاص محکوم شد. این حکم مدتی بعد در دیوان عالی کشور هم مهر تأیید خورد و آماده اجرا شد. در حالی‌که همه چیز برای قصاص قاتل مهیا بود، اولیای دم تصمیم بزرگی گرفتند. آنها در آستانه اربعین، خواب عجیبی از دخترشان دیدند و تصمیم گرفتند مادر مقتول درباره خواب عجیبش گفت: من خواب دیدم که دخترم در بین‌الحرمین است. او می‌خندید و می‌گفت برای زیارت آمده است. وقتی از خواب پریدم، حال عجیبی داشتم. احساس کردم این نشانه است تا قاتلش را ببخشم و زندگی‌اش را نگیرم. وی ادامه داد: با همسر من صحبت کردم و به این نتیجه رسیدیم که قاتل دخترمان را ببخشیم. سپس هر دو یمان از اجرای احکام حاضر شدیم تا قبل از رفتن قاتل دخترمان پای چوبه دار، برگه رضایت امضا کنیم.

بعضی از پرونده‌های قتل در نهایت به شکلی عجیب به صلح و سازش منجر می‌شوند

بخشش از نوعی دیگر

در سال‌های اخیر فرهنگ صلح و سازش در کشور بیشتر از قبل رواج پیدا کرده و خیلی از پرونده‌های قضایی در نهایت به سازش ختم می‌شود. اما جلب رضایت شاکی کار ساده‌ای نیست و گاهی ممکن است سال‌ها طول بکشد تا شاکی اعلام رضایت کند. در پرونده‌های قتل این موضوع به مراتب سخت‌تر است و در بعضی موارد با شرط‌های عجیب و غریب همراه است یا اینکه انگیزه‌ها و دلایل عجیب و غریب سبب می‌شود تا اولیای دم حاضر به بخشش شوند. در این پرونده به سراغ بخشش از نوعی دیگر رفته‌ایم.

کا به ۵۰ کودک کار کمک کن

در پرونده‌های قتل وقتی قرار به تعیین شرط و شروط برای بخشیدن قاتل می‌شود معمولاً شرایط انجام کارهای خیر و خدایندانه هستند؛ مثل پرونده‌ای که اولیای دم شرط کردند قاتل باید به ۵۰ کودک کار کمک کند. یکی از روزهای مهرسال ۹۱ جوانی به نام مهدی که خودرویی را برای تعمیر به تعمیرگاهی در یکی از شهرهای استان مرکزی برده بود، هنگام تسویه‌حساب نسبت به دستمزد تعمیر کار اعتراض کرد و همین اعتراض باعث درگیری میان او و کارگر جوان تعمیرگاه به نام نیما شد. در این درگیری نیما به قتل رسید و مهدی که پس از جنایت گریخته بود، دستگیر شد. جوان جنایتکار پس از مدتی پای میز محاکمه رفت و به قصاص محکوم شد. با قطعی شدن رای، شمارش معکوس برای قصاص قاتل شروع شد. او حتی یک مرتبه هم پای چوبه دار رفت اما در واپسین لحظات موفق شد از اولیای دم مهلت بگیرد و به زندان بر گردد. از همان زمان تلاش برای نجات قاتلی که تغییر بزرگی در زندگی‌اش ایجاد کرده بود، شروع شد. مهدی در زندان، مواد مخدر را ترک کرده بود و درس می‌خواند؛ هرروز ورزش می‌کرد و قرآن می‌خواند. به تمام زندانیان کمک می‌کرد و این خبرها نیز به گوش اولیای دم رسیده بود. درحالی‌که قرار بود مرد زندانی برای بار دوم پای چوبه دار برود و قصاص شود، اولیای دم تصمیم بزرگی گرفتند و به قاتل زندگی دوباره‌ای بخشیدند. آنها به حرمت عید قربان، از قصاص قاتل گذشت کردند و برای آرامش روح مقتول، شرط گذاشتند که مرد زندانی به ۵۰ کودک کار کمک کند؛ از خرید پوشاک و مواد غذایی گرفته تا بردن آنها به سفر، رستوران و مراکز تفریحی. به این ترتیب، با بخشش اولیای دم، مرد رهایی یافته از قصاص، بعد از گذشت ۱۲ سال از زندان آزاد شد.

بخشش قاتل به خاطر هفته فر اچا

جوانی که از ۷ سال قبل به اتهام قتل پسرعموش به قصاص محکوم شده بود و در یک قدمی چوبه دار قرار داشت با وساطت فرامندانتهان انتظامی و شماری از خیران از چوبه‌دار نجات یافت. اولیای دم هنگام بخشیدن قاتل اعلام کردند که قصد اجرای حکم را داشتند اما او را به احترام مأموران پلیس و هفته فر اچامی بخشند.



بخشش به احترام شهدای خدمت

در پرونده قتلی که مدتی قبل در مراغه اتفاق افتاده بود اولیای دم به احترام شهدای خدمت، قاتل را بخشیدند. این قتل سال ۹۷ در یک نزاع اتفاق افتاد و با طی شدن مراحل قانونی فرار بود قاتل قصاص شود اما دقیقی پیش از اجرای حکم خانواده مقتول اعلام کردند که پس از ۶ سال به احترام شهدای خدمت، از قصاص منصرف شده‌اند.



۳۲ هلمانشهرای

کا زندگی قاتل در گروهی بخشش قاتلی دیگر

از شنیدن صحبت‌های این زن، به خانه مقتول پرونده دوم رفتند. آنها پرچم امام رضاع) را به‌دست داشتند و صحبت‌هایشان با خانواده مقتول موجب شد تا پدر مقتول به حرمت ضامن آهو و امام زئوف از خون پسرش گذشت کند. او گفت به‌خاطر رضای خدا و آرامش روح پسرش، به مقتول فرصت زندگی دوباره خواهد داد. او همچنین شرط گذاشت که قاتل در روستایی که زادگاه آنهاست مدرسه‌ای به نام مقتول برای بچه‌های محروم روستا بسازد که شرط او مورد قبول قاتل و خانواده‌اش قرار گرفت. با بخشش پدر مقتول، قاتلی که در آستانه قصاص بود از مجازات رهایی یافت و از سوی دیگر خبر این بخشش به گوش زنی که برای گذشت از دیه کارگر شرط گذاشته بود نیز رسید و او هم برگه رضایت را امضا کرد و به این ترتیب کارگر جوان از زندان آزاد شد و به آغوش خانواده‌اش برگشت.

یکی از عجیب‌ترین بخشش‌ها مدتی قبل در تهران اتفاق افتاد و اولیای دم که برادرزاده‌اش در پرونده دیگری مرتکب قتل شده و موفق به جلب رضایت اولیای دم نشده بود به این دلیل که برادرزاده‌اش از قصاص نجات یافته، قاتل فرزندش را بخشید تا او هم به آغوش خانواده‌اش برگردد. مادر مقتول ابتدا راضی به بخشش نبود. او گفته بود از روزی که پسرم از دنیا رفت، زندگی ما هم دگرگون شد؛ به همین دلیل بود که از کارگری که باعث مرگ پسرم شده، کینه به دل گرفتم و او را مقصر مرگ پسرم می‌دانستم. اما حالا که آن کارگر در زندان شرایط سختی دارد حاضرم به یک شرط از دیه بگذرم. برادرزاده‌ام در ماجرای دیگری مرتکب قتل شده و اگر او بخشیده شود من هم قاتل پسرم را می‌بخشم. در این شرایط گروهی از فعالان صلح پس

بخشش، هنگام اجرای قصاص

بعضی از بخشش‌ها هم واقعا عجیب و غریب و نفسگیر است. بعضی از اولیای دم به‌خاطر از دست دادن عزیزشان می‌خواهند قاتل را تا جایی که ممکن است تنبیه کنند اما از سوی دیگر دل‌شان هم نمی‌آید که او را قصاص کنند و در این بین گاهی اتفاقات عجیب و غریبی رخ می‌دهد مثل آنچه مدتی قبل در یکی از شهرستان‌های خراسان رضوی اتفاق افتاد. مردی که بر اثر یک درگیری مرتکب قتل شده و گریخته بود، پس از ۲ سال فرار سرانجام دستگیر شد. اولیای دم از همان ابتدا اعلام کرده بودند که خواسته‌شان فقط قصاص است و در این شرایط بود که با تأیید این حکم جوان محکوم پای چوبه دار رفت. مأموران اجرای حکم پس از انجام تشریفات متهم را پای چوبه دار بردند. دختر و پسر مقتول که بیشتر از همه برای مجازات قاتل پدرشان اصرار داشتند، چهارپایه را از زیر پای مرد محکوم به قصاص کشیدند و جدال او با مرگ آغاز شد. این شرایط حدود یک دقیقه و نیم ادامه داشت تا اینکه اولیای دم تصمیم به بخشش گرفتند و اعلام کردند از قصاص گذشت کرده‌اند. به این ترتیب، مأموران او را از چوبه‌دار پایین کشیدند و تلاش کردند جانش را نجات دهند. هر چند ۳مهره گردن این مرد شکسته و تا یک‌قدمی مرگ پیش رفته بود، اما در نهایت مسدولان این مرد موفق به احیای او شدند و به طرز معجزه‌آسایی به زندگی برگشت.



کا بخشش به شرط رفتن از محله

بعضی اولیای دم هم هرچند قاتل را می‌بخشند اما هرگز چشم دیدن او را ندارند. نمونه‌اش مدتی قبل در تهران اتفاق افتاد و اولیای دم پرونده‌ای به این شرط قاتل را بخشیدند که او دیگر در محله‌ای که زندگی می‌کرد نماند و از آنجا برود. نخستین برگ این پرونده شانزدهم دی‌ماه ۹۴ورق خورد. آن روز گزارش یک درگیری خونین به کلانتری ۱۶۱ابوذر اعلام شد و مأموران در محل حادثه حضور یافتند. تحقیقات نشان می‌داد که قربانی، جوان ۳۲ساله‌ای بوده که در درگیری از ناحیه سر به‌شدت مصدوم شده است. پسر مصدوم به بیمارستان انتقال یافت اما پزشکان اعلام کردند که وی دچار مرگ مغزی شده است. در این شرایط بود که خانواده مقتول تصمیم بزرگی گرفتند و پای برگه اهدای عضو امضا کردند تا اعضای بدن او به چند بیمار نیازمند زندگی ببخشد. از سوی دیگر پرونده این جنایت پیش‌روی بازپرس جنایی تهران قرار گرفت و تحقیقات برای دستگیری قاتل آغاز شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که عامل جنایت مردی ۴۵ساله و بنگاه‌دار است. تحقیق از شاهدان نشان می‌داد که قاتل و مقتول با یکدیگر همسایه بودند و درگیری به زندگی بازگشت.



بخشش

به احترام محرم

خیلی از بخشش‌ها در پرونده‌های قتل به خاطر ایامی خاص اتفاق می‌افتد؛ مثل ماه‌های محرم و رمضان. نمونه‌اش پرونده‌ای که در آن اولیای دم که اصرار زیادی برای قصاص قاتل داشتند او را به احترام ماه محرم بخشیدند. شروع این پرونده به اواسط مرداد سال ۱۳۹۹ برمی‌گردد. آن روز گزارش قتل پسر جوانی به تیم جنایی پایتخت اعلام و تحقیقات درباره این جنایت آغاز شد. بررسی‌ها حکایت از این داشت که مقتول در جریان یک درگیری به قتل رسیده است. ماجرا از این قرار بود که مقتول و دوستانش سوار بر یک موتورسیکلت در خیابان در حرکت بودند که راننده یک دستگاه خودروی پرآید که پشت سر آنها در حرکت بود، به موتورسواران اعتراض کرد. راننده پرآید از دو جوان موتورسوار می‌خواست که با سرعت بیشتری حرکت کنند و چند مرتبه بوق زد اما مقتول و دوستان اهمیتی به اعتراض مرد پرآیدسوار ندادند. راننده پرآید که عجله داشت و عصبانی شده بود تاگهان موتورسواران را زیر گرفت و از محل گریخت. در جریان این حادثه، دو جوان موتورسوار مجروح شدند اما یکی از آنها که جراحتش بیشتر بود، بعد از انتقال به بیمارستان جانش را از دست داد. در ادامه عامل این قتل دستگیر شد و بعد از محاکمه در دادگاه کیفری از این حادثه تلخ می‌گذشت که سرانجام قاتل در زندان پای چوبه دار رفت تا مجازات شود. آن روز که در واپسین لحظات دلشان به رحم آمد و با تعیین مهلت زندگی دوباره دادند. اولیای دم گفتند متوجه شدند قاتل در مدتی که در خدا و برای جلب رضایت اولیای دم شروع کردند. آنها که متوجه شدند قاتل در مدتی که در خدا و با تعیین مهلت زندگی دوباره اجرام محرم و بدون هیچ چشمداشتی قاتل را می‌بخشد.